



سرمقاله

بی‌تردید صدرالمتألهین حق بزرگی بر عالم اندیشه و حکمت اسلامی دارد. برای قدردانی از این اندیشمند بزرگ، اشاره کوتاهی به سرگذشت و نوآوری‌های علمی او بایسته است.^۱ صدرالدین محمد شیرازی^۲ مشهور به ملاصدرا در نهم جمادی‌الاول سال ۹۷۹ هجری قمری،^۳ در محله قوام شیراز دیده به جهان گشود. پدرش ابراهیم قوام مردی دانشمند، اهل تجارت و وزیر فرمان‌دار فارس بود. صدرالدین تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه ملااحمد آغاز کرد و نزد معلم خانگی اش، ملاعبدالرزاق ابرقویی، ادامه داد. در شش سالگی همراه پدر به قزوین رفت و در مدرسه «إلتفاتیه» به تحصیل پرداخت. همان‌جا با شیخ بهایی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ق) و میرداماد (۹۶۹ - ۱۰۴۱ق) آشنا شد. پس از جابه‌جایی مرکز حکومت صفوی از قزوین به اصفهان در سال ۱۰۰۶ هجری قمری،^۴ همراه استادان خویش به آن دیار سفر کرد

۱. این شماره زیست‌نامه اجمالی و شماره پسین نوآوری‌های او را به‌اجمال بررسی می‌کند.

۲. اطلاعات زیست‌نامه از پایگاه‌های استنادی ذیل گرفته شده است: پایگاه اطلاع‌رسانی «بنیاد حکمت اسلامی صدر»؛ وبگاه دیجیتال «دانشنامه اسلامی»؛ وبگاه دیجیتال «ویکی‌شعه»؛ وبگاه دیجیتال «ویکی‌نور». برای تحقیق بیشتر درباره زندگی‌نامه، مکتب فکری و آرای علمی ملاصدرا ر.ک: جلال‌الدین آشتیانی، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا؛ رضا اکبریان، حکمت متعالیه و تفکر فلسفی معاصر؛ سیدمحمد خامنه‌ای، حکمت متعالیه و ملاصدرا؛ همو، ملاصدرا؛ زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین؛ محمد خواجه‌ای، لوامع العارفین فی احوال صدرالمتألهین، پژوهشی پیرامون احوال و افکار و آثار و آرای ملاصدرا؛ محمدتقی زمانیان، سیری در افکار ملاصدرا؛ هانری کربن و جمعی از خاورشناسان، صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا یا صدرالمتألهین: فیلسوف و متفکر اسلامی و...

۳. هم‌زمان با ۱۷ مهر ۹۵۰ شمسی و ۱۵۷۱ میلادی.

۴. هم‌زمان با ۱۵۹۸ میلادی.

و در مدرسه «خواجه» اصفهان ساکن شد. علم فقه، حدیث و تفسیر را از شیخ بهایی، و حکمت و معرفت را نزد میرداماد فراگرفت. برخی نیز شاگردی میرفندرسکی را به او نسبت داده‌اند. ملاصدرا به زودی در دانش‌های گوناگون صاحب نظر شد و در مدرسه خواجه به تدریس پرداخت. اما دیدگاه‌های ویژه و متفاوت وی در دانش‌های نقلی و عقلی سبب شد تا ظاهرگرایان برای دفاع از باورهای خود و گاه از روی حسادت او را به بدعت‌گذاری در دین و داشتن عقاید باطل متهم ساختند. از سوی دیگر نور ایمان و بلندی طبع، او را از عمل متقابل و نیز تمجید پادشاهان باز می‌داشت و صحنه را برای تثبیت بدگویی‌های مخالفان نزد شاهان آماده می‌نمود. سرانجام این فشارها سبب شد ملاصدرا به زادگاه خود، شیراز بازگردد تا شاید به پشتوانه املاک پدری و حمایت خویشاوندان بتواند به نشر دیدگاه‌های خود ادامه دهد. اما شیراز نیز گنجایش نوآوری‌های این دانشمندان جوان را نداشت و صدرا پس از چندی به قم رفت و در روستای دورافتاده «کهک» ساکن شد.^۱

او با دلی شکسته و روانی خسته از دشمنی مردم نادان، راهی کهک شد و از جامعه و مردم کناره گرفت و حدود پانزده سال (از ۱۰۲۵ تا ۱۰۴۰ ق) در آنجا ماند. انزوا و تنهایی در کنار شکستگی قلب، بستر مناسب‌تری برای سلوک الی الله در اختیار او گذاشت. ملاصدرا پنج سال از تدریس و تألیف کناره گرفت و برابر نامه‌ای که به استادش میرداماد نوشت، یک‌سره به عبادت، ریاضت و مراقبت‌های قلبی اشتغال یافت،^۲ تا جایی که به شهودهای پایانی اهل معرفت دست یافت و آنچه را تا آن روز در کتاب‌هایی چون *فصوص و فتوحات* خوانده بود، اکنون به عیان می‌دید. آن‌گاه به الهام الهی به نگارش آنچه یافته بود، مأمور شد. پس سکوت را شکست و نگارش *سفار* و تدریس حکمت متعالیه را در همان روستای دورافتاده آغاز کرد.^۳ دو شاگرد برجسته او یعنی ملامحسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق) و فیاض لاهیجی (۱۰۰۲ - ۱۰۷۲ ق)، که بعدها افتخار دامادی او را یافتند، نتیجه دوره تدریس

۱. البته هانری کربن بر این باور است که ملاصدرا پس از تبعید، مستقیماً از اصفهان و از راه مورچه خورت، به کهک قم رهسپار شده است (ر.ک: کربن، *ملاصدرا: فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی*، ص ۱۳۸-۱۳۹).

۲. لطیفی، مقاله «ملاصدرا؛ خورشید اندیشه»، در «گلشن ابرار»، ج ۱.

۳. ملاصدرا، *سفار*، ج ۱، ص ۴ - ۸.

او در کهکِ قم هستند. ملاصدرا در روزگار سکونت در کهک هرگاه به مشکل علمی برمی‌خورد، پای پیاده به حرم حضرت معصومه می‌شتافت و به الهام الهی پاسخ خود را درمی‌یافت.^۱ هم‌زمان، الله‌وردی خان گرجی، حاکم فارس که از دوست‌داران او بود، ساخت مدرسه‌ای را در شیراز آغاز کرده و در وقف‌نامه آن اختیار تدریس را به ملاصدرا سپرد. پس از مرگ الله‌وردی خان، پسرش امام‌قلی خان که از دوستان نوجوانی ملاصدرا بود، ساختن مدرسه را به پایان برد و حکم تبعید او را از شاه عباس صفوی پس گرفت. سپس ملاصدرا به‌سال ۱۰۴۰ هجری قمری^۲ از قم به شیراز رفت و بر کرسی تدریس و دفتر تحقیق نشست. چنان‌که از کتاب سه اصل او بر می‌آید، در این دوره نیز رفتار ناپسند مخالفان و توهین‌های مکرر ایشان ادامه داشت. اما صدرالمتألهین این بار مصمم بود تا دیدگاه‌های خود را ارائه دهد و تثبیت نماید. وی در پناه دانش دوستی و آزاد اندیشی امام‌قلی خان، سردار سپاه صفوی و حاکم آن روز فارس، تألیف‌های فراوانی انجام داد و مکتب فلسفی خود (حکمت متعالیه) را به بهترین وجه تبیین کرد.

به گزارش محمد علم‌الهدی، نوه دختری ملاصدرا (فرزند فیض کاشانی)، وفات او در سال ۱۰۴۵ هجری قمری^۳ است. گسست ناگهانی و ناقص ماندن برخی نوشته‌های وی مانند تفسیر قرآن و شرح اصول کافی در سال ۱۰۴۴ هجری قمری این مدعا را تأیید می‌کند.^۴ صدرالمتألهین در عمر ۶۶ ساله خویش هفت بار پیاده به حج رفت و در آخرین سفر در شهر بصره بیمار شد و به ملوکت اعلی پیوست. پیکر او به نجف اشرف منتقل شد و در سمت چپ صحن امیرالمؤمنین دفن گردید. از ایشان حدود پنجاه اثر در موضوع‌های گوناگون علمی به جا مانده که مهم‌ترین آنها آثار فلسفی اوست.^۵

۱. حسن‌زاده آملی، اتحاد عاقل به معقول، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۲. هم‌زمان با ۱۶۳۲ میلادی.

۳. هم‌زمان با ۱۶۳۵ میلادی.

۴. البته برخی بر این باورند که وفات وی در ۱۰۵۰ هجری قمری، و عمر او ۷۱ سال بوده است.

۵. حقدار، «کتاب‌شناسی ملاصدرا (منابع زندگی، آثار و افکار)»، وبگاه الکترونیکی حکمت و عرفان.



زندگی او به سه دوره کلی تقسیم می‌شود:

۱. دوره تحصیل: این دوره از کودکی آغاز شده و تا نوجوانی و جوانی ادامه داشته است؛
۲. دوره انزوا و سلوک: پنج سال (۱۰۲۵ - ۱۰۳۰ ق) در کهک قم؛
۳. دوره تدریس و تألیف: این دوره پانزده سال (۱۰۳۰ - ۱۰۴۵ ق) به طول انجامید که ده سال آن در کهک قم و پنج سال دیگر، پس از بازگشت به شیراز در مدرسه «خان» سپری شد.

روح‌الله سوری